

مرجع صالح رسیدگی در

دعای نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی^۱

دکتر محسن صادقی^۲

استادیار پژوهشی مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۷

چکیده

حمایت از اسرار تجاری به دلیل آنکه موجب برتری یک تاجر بر سایر رقبای تجاری اش می‌گردد، از اهمیتی فراوان برخوردار است. با این حال، طبیعت خاص اسرار تجاری باعث شده است که حمایت حقوقی از آن برخلاف دیگر قالبهای مالکیت فکری، چندان قوی و موثر نباشد؛ وانگهی گسترش فضای بدون مرز ناشی از پدیده اینترنت، بر چالشهای حمایت از اسرار تجاری افزوده است زیرا امکان نقض حق از سوی میلیونها کاربر در بستر مبادلات الکترونیکی فراهم شده و نظارت قوی حقوقی بر آنها وجود ندارد. این چالشهای حقوقی زمانی بیشتر می‌شود که صاحب این اسرار به عنوان زیان‌دیده با این سوال بزرگ روبرو است که در دعوا علیه یک نقض کننده خارجی، کدام دادگاه و مرجع، صلاحیت رسیدگی به دعوی الکترونیکی را دارد بخصوص آنکه در خصوص اسرار تجاری برخلاف علامت تجاری و اختراعات، مقررات متحد الشکل منطقه ای یا بین المللی وجود ندارد. برغم اهمیت موضوع، بحث مزبور، در ادبیات حقوقی ما چندان مورد توجه قرار نگرفته است لذا این مقاله درصدد است تا مطالعه‌ای تحلیلی و تطبیقی را در چند کشور از جمله ایران، در حوزه حقوق بین الملل خصوصی و مالکیت فکری در محیط دیجیتال انجام دهد.

واژه‌های کلیدی: اسرار تجاری، محیط دیجیتالی، کنوانسیون بروکسل، کنوانسیون لاهه، وایپو، حقوق بین الملل خصوصی، مرجع صالح، حقوق ایران.

۱- مناسب است که خوانندگان محترم، پیش از ورود به بحث اصلی، به چند نکته در خصوص گستره مقاله توجه نمایند: نکته نخست اینکه علت محدود شدن موضوع نوشتار به نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی آن است که اولاً: میزان نقض اسرار تجاری الکترونیکی از میزان نقض بسیاری از مصادیق مالکیت فکری بیشتر بوده و دعوی بیشتری را به خود اختصاص داده است؛ ثانیاً: ضعیفتر بودن قالب اسرار تجاری باعث شده است تا مسائل حقوقی حمایت از صاحب اسرار در برابر نقض کننده از اهمیت بیشتری برخوردار گردد؛ ثالثاً: برخلاف علامت تجاری و اختراعات که دارای مقررات نمونه متحدالشکل منطقه ای و بین المللی نظیر «مقررات راجع به علامت تجاری جامعه اروپا» و «کنوانسیون اروپایی حق اختراع»، در خصوص اسرار تجاری نه در محیط دیجیتالی و نه محیط فیزیکی، مقررات متحد الشکلی تهیه نشده است و این خلأ، چالشهای تعیین مرجع صالح رسیدگی را میان کشورها بیش از موضوعاتی چون علامت تجاری و اختراع می‌کند. نکته دوم اینکه در این مقاله فرض بر این گذاشته شده است که نقض حق محرز و ناقض حق شناسایی شده است بنابراین ما به چالشها و شیوه های تشخیص نقض حق یا شناسایی شخص ناقض اسرار تجاری نخواهیم پرداخت؛ نکته سوم اینکه از میان مباحث حقوق بین الملل خصوصی، مقاله حاضر تنها به معیارهای تعیین دادگاه صالح می پردازد و معیارهای تعیین قانون حاکم بر دعوی در مقاله ای مجزا مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ همچنین معیارهای تعیین دادگاه صالح، صرفاً در دعوی حقوقی یا مدنی مورد توجهند نه دعوی کیفری؛ و بالاخره نکته آخر اینکه هر چند مرجع صالح به رسیدگی می‌تواند قضایی، شبه قضایی یا غیر قضایی باشد اما با توجه به اهمیت ویژه مراجع قضایی در رسیدگی به دعوی، تاکید مقاله بیشتر بر معیارهای تعیین دادگاه صالح است با اینحال در مواقع مقتضی از سایر مراجع نیز سخن به میان خواهیم آورد.

مقدمه

محیط اینترنتی، چالشها و تغییرات وسیعی را در زمینه حمایت از مالکیت فکری بوجود آورده و از این رو، حمایت از این حقوق در محیط دیجیتالی، با محیط فیزیکی تفاوت‌های فنی و حقوقی دارد. در این میان، حمایت حقوقی از اسرار تجاری، ضعیف تر از قالب های دیگر حمایت از حقوق مالکیت فکری (Intellectual Property Rights (IPRs))، است و به همین دلیل، یکی از نویسندگان، از اسرار تجاری به «**درازایی های ظریف و شکستنی**» (Fragile Assets) تعبیر کرده است (Halligan, 2006, p. 1). مهمترین دلیل برای این امر، به ماهیت و طبیعت اسرار تجاری مربوط می شود زیرا ارزش واقعی یک سر تجاری یا ارزیابی اینکه یک اطلاعات به عنوان سر تجاری محسوب شوند، تنها زمانی روشن می شود که به دست رقیب بیفتد؛ وانگهی، اسرار تجاری بر خلاف حقوق مالکیت ادبی و هنری (کپی رایت) و علامت تجاری، زمانی مورد حمایت و سودمند هستند که سری مانده و وارد حوزه عموم نشوند؛ به تعبیر دیگر، قسمت عمده ای از حمایت این اسرار، بر عهده خود صاحب اسرار است. اما در کنار دو عامل فوق، امروزه پدیده ای نوین به نام گسترش فضای دیجیتالی نیز حمایت از اسرار تجاری را دشوارتر و تاثیر حقوقی این قالب حمایتی را بسیار ضعیف تر ساخته است چرا که اولاً: دسترسی بیش از یک میلیارد کاربر به شبکه گسترده جهانی (Fox, 2002, p. 4)، خطر نقض حق صاحبان اسرار تجاری را بنحو قابل توجهی افزایش داده است برای نمونه، شخصی با آگاهی یافتن از اسرار تجاری یک شرکت و به قصد افشای آن در سطح جهانی، آن را از طریق اینترنت در اختیار کاربران قرار دهد؛ ثانیاً: تجارت الکترونیکی از طریق اینترنت، کنترل شرکتها بر اطلاعات را کاهش داده است و این امر به واسطه قابلیت جابه جایی زیاد اطلاعات در محیط مجازی است زیرا فایل‌های ذخیره شده و ارتباط اینترنتی و حافظه کامپیوتر، این انتقال را تسهیل کرده‌اند (Russo, Risch and Mullarkey, 2001, p. 1). به علاوه، اینترنت، امکان شناسایی شخص حقیقی یا حقوقی نقض کننده حق را به حداقل رسانده است و از این حیث نیز صاحبان اسرار تجاری نسبت به افشای آن در محیط دیجیتالی آسیب پذیرتر از محیط فیزیکی شده‌اند^۱ (صادقی، ۱۳۸۶، صص ۲۵۹-۲۸۵). دشواری احقاق حق در محیط دیجیتالی به موضوع فوق یعنی تعیین نقض کننده سر تجاری محدود نمی گردد بلکه در دعاوی بین المللی راجع به نقض سر تجاری، معضل حقوقی تعیین دادگاه و مرجع صالح به رسیدگی نیز پیش می آید زیرا محیط دیجیتالی با مشخصات منحصر به فرد خود، مرزها را در نوردیده جهانی بدون مرز را برای انسان امروزی ایجاد کرده است و از این رو این محیط، غالباً اشخاصی را در مقابل یکدیگر قرار می دهد که در کشورهای گوناگون اقامت دارند و این مساله، بر اهمیت تعیین مرجع صالح رسیدگی در فضای دیجیتال، افزوده است. برای مثال، اگر صاحب اسرار تجاری تبعه یک کشور بوده و حقوق او توسط یک

۱. از این روست که سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) برای حمایت بیشتر از حقوق صاحبان مالکیت فکری در برابر نقض حق در محیط الکترونیکی، رهنمودهایی را به کشورهای عضو ارائه داده است (WIPO, 2009, pp. 1-10).

خارجی در کشور دیگر نقض شود مثلاً اسرار تجاری یک شرکت ایرانی توسط شرکت رقیب تایلندی در انگلستان افشا شود، کدام دادگاه یا مرجع صالح به رسیدگی خواهد بود. این مبحث یکی از مباحث جدید حقوق بین الملل خصوصی در حوزه حقوق مالکیت فکری دیجیتالی است که تاکنون در ادبیات حقوقی ما مورد توجه جدی قرار نگرفته است^۱ و این مقاله درصدد است تا معیارها و رویه های تعیین دادگاه و مرجع صالح به رسیدگی در دعاوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی را با مطالعه تطبیقی در چند سند بین المللی و منطقه ای مرتبط و حقوق ایران مورد بررسی قرار دهد تا ضمن تولید ادبیات حقوقی پارسی در حوزه حقوق بین المللی خصوصی و مالکیت فکری در محیط دیجیتالی، محققان و علاقمندان حوزه مالکیت فکری را با جدیدترین تحولات حقوقی در این زمینه آشنا سازد. بر این اساس، مقاله حاضر در سه گفتار ارائه می شود: در گفتار نخست، کلیاتی از مفهوم اسرار تجاری و تاثیر محیط دیجیتالی بر محتوای این مفهوم می پردازیم. در گفتار دوم، معیارهای تعیین مرجع صالح به رسیدگی به دعاوی بین المللی نقض اسرار تجاری در این محیط را بررسی می کنیم و در گفتار پایانی، جایگاه موضوع را در حقوق ایران، نقد کرده و ضمن اشاره به نارساییهای موجود، راهکارهای روشن و وضع مطلوب را به قانونگذار پیشنهاد می نمایم.

گفتار نخست - مفهوم اسرار تجاری و تاثیر فضای دیجیتالی بر این مفهوم

پیش از آنکه وارد بحث اصلی مقاله شویم مناسب است تا با مفهوم اسرار تجاری آشنایی اجمالی پیدا کرده (بخش اول) و سپس تاثیر پیدایش محیط دیجیتالی را بر دایره این مفهوم بررسی کنیم (بخش دوم):

بخش اول - مفهوم اسرار تجاری

در مورد سر تجاری، هیچ تعریف جهانی پذیرفته شده ای وجود ندارد (وصالی، ۱۳۷۸-۷۹، صص ۶۶)؛ از این رو در قوانین و آرای محاکم کشورهای مختلف، تعاریف گوناگونی دیده می شود. برای مثال، مطابق ماده ۴ از بخش ۱ قانون متحدالشکل اسرار تجاری (Uniform Trade Secret Act) ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۵) که در اکثر ایالات پذیرفته شده است: «سر تجاری به معنای اطلاعاتی است که شامل یک فرمول، الگو، ترکیب، برنامه، وسیله، شیوه، روش، یا

۱. لازم به ذکر است که نویسنده این مقاله در کتاب تالیفی خود تحت عنوان «حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی»، به نحوه حمایت از حقوق مالکیت فکری از جمله مالکیت ادبی و هنری، حقوق مرتبط، اختراعات، علائم تجاری و اسرار تجاری و چالشهای این حقوق در محیط مجازی پرداخته است با این حال بدلیل گستردگی بحث، کتاب مورد اشاره به مقوله حقوق بین الملل خصوصی در فضای دیجیتالی یعنی تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم، نپرداخته است یعنی در این کتاب مشخص نشده است که اگر حقوق مزبور در فضای دیجیتالی نقض شود، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؛ لذا این مقاله درصدد تکمیل مطالب کتاب مزبور است.

فرایندی می شود که: ارزش بالفعل یا بالقوه اقتصادی مستقل آن از چیزی ناشی می شود که عموماً شناخته نبوده و از طریق وسیله خاص و توسط دیگران که می توانند ارزش اقتصادی آن را از طریق افشا یا استفاده، تحصیل کنند معلوم و مشخص نمی شوند؛ موضوع تلاشهایی باشد که بر حسب اوضاع و احوال، سری نگه داشتن آن، متعارف است» (my. execpc. com/~mhalign/usta. html, 2008, pp. 1 and seq). همچنین دادگاههای آمریکا در برخی آرای خود، به تعریف از اسرار تجاری پرداخته اند؛ برای مثال، قاضی مگاری در پرونده Colo v. A. N. Clark Ltd، برای تبیین مفهوم سر تجاری چنین می گوید: «به تشخیص من، برای موفقیت در دعوی راجع به سر تجاری، صرفنظر از قرارداد، سه عنصر طبیعتاً لازم است: نخست، اطلاعات باید ضرورتاً از کیفیت محرمانه بودن برخوردار باشند؛ دوم اطلاعات باید در اوضاع و احوالی طرح شده باشند که تعهد به حفظ محرمانه بودن را به دنبال خود داشته باشد؛ سوم باید استفاده غیر مجاز از آن اطلاعات منجر به ورود خسارت از سوی کسی شود که آنها را به غیر منتقل می کند». موافقت نامه تریپس سازمان تجارت جهانی در بند ۲ ماده ۳۹ خود، اسرار تجاری را اطلاعاتی می داند که الف) محرمانه باشد به این معنا که به عنوان یک مجموعه یا با ترکیب یا سرهم کردن دقیق اجزای آن، اشخاص درون محافلی که معمولاً با این نوع از اطلاعات سروکار دارند، عموماً از آن آگاهی نداشته باشند یا دسترسی این اشخاص بسادگی به اطلاعات مزبور میسر نباشد؛ ب) به خاطر محرمانه بودنش، دارای ارزش تجاری باشد؛ ج) حسب اوضاع و احوال شخصی که قانوناً کنترل اطلاعات مزبور را در اختیار دارد، برای محرمانه نگه داشتن آن، اقدامات معقولی را به عمل آورده باشد.

براساس تعاریف فوق، می توان این تعریف را برای اسرار تجاری پیشنهاد کرد:

اسرار تجاری، به دانش فنی محرمانه و اطلاعات مفید در امر تجاری اطلاق می شود که برای اجرای فعالیتهای صنعتی خاص و یا برای گسترش فنون سودمند یک هدف صنعتی ضرورت دارند و باید محرمانه نگهداری شوند.

با عنایت به تعریف مذکور، می توان بر اساس معیارهایی چون ارزش اقتصادی اطلاعات موجود در شرکت، میزان سادگی و دشواری دسترسی به اطلاعات، میزان تدابیر امنیتی شرکت برای مراقبت از اطلاعات، میزان ارزش اطلاعات برای شرکت و رقبای شرکت آن، میزان وقت و تلاش و پول صرف شده برای توسعه اطلاعات، اسرار تجاری را از سایر اطلاعات تمیز داد. براساس این معیارها، اطلاعاتی نظیر اطلاعات فنی راجع به تحقیق و توسعه شامل اطلاعات تکنولوژیکی اختصاصی، اطلاعات اختصاصی راجع به تحقیق و توسعه (Research and Development or R & D)، فرمولها و ترکیبات، نمونه ها، فرایندها، نوشته های کتابخانه ای، اطلاعات تجربی، اطلاعات تحلیلی، محاسبات، طرحها از همه نوع، نمودارها از همه نوع، اطلاعات راجع به طرحها، اطلاعات

مربوط به عرضه، گزارشهای مربوط به R & D؛ اطلاعات راجع به تولید/فرایند شامل اطلاعات مربوط به قیمت/هزینه، تکنولوژی تولید/فرایند؛ اطلاعات کنترل کیفیت شامل آیین و شیوه کنترل کیفیت؛ اطلاعات راجع به فروش و بازاریابی شامل اطلاعات اختصاصی راجع به شیوه فروش و بازاریابی، طرحهای توسعه و فروش و بازاریابی؛ اطلاعات مالی داخلی شامل اطلاعات مدیریت، اسناد مالی داخلی، بودجهها و هزینه تولید و اطلاعات اختصاصی اداری شامل اطلاعات اداری و تصمیم‌گیرندگان کلیدی را از مهمترین مصادیق اسرار تجاری دانست.

بخش دوم - تاثیر محیط دیجیتالی بر دایره مفهوم اسرار تجاری

اما گسترش فضای دیجیتالی بویژه در نتیجه توسعه اینترنت در سراسر جهان، بر قلمرو این مصادیق تاثیر گذارده است؛ از این رو، در کشورهای پیشرفته که حجم بالایی از تجارت، بصورت الکترونیکی انجام می‌شود، از سالها قبل تلاشهایی صورت گرفت تا در تعریف قانون موضوعه از اسرار تجاری، به اسرار تجاری الکترونیکی (یعنی اسراری با هر محتوا که از طریق داده پیام ارسال می‌گردد) نیز اشاره شود. قانونگذار ایالات متحده آمریکا در این زمینه پیشگام بود و با وضع قانون جاسوسی اقتصادی آمریکا مصوب ۱۹۹۶ (Economic Espionage Act (1996))، گام مهمی در جهت حمایت حقوقی از اسرار تجاری در محیط اینترنتی برداشت. این قانون، که دایره تعریف اسرار تجاری را به محیط مجازی نیز توسعه داده است، در بند ۳ ماده ۱۸۳۹ خود مقرر می‌دارد: «اسرار تجاری به کلیه اشکال و انواع اطلاعات مالی، تجاری، علمی، فنی، اقتصادی یا مهندسی اطلاق می‌گردد که شامل الگوها، برنامه‌ها، ترکیبات، ابزارهای برنامه‌ای، فرمولها، طرحها، مدلها، اولیه، شیوه‌ها، فنون، فرایندها، آیینها، برنامه‌ها یا کدها- خواه ملموس باشند و خواه غیرملموس و به هر نحو که ذخیره یا تهیه و گردآوری شده باشند یا به طور فیزیکی، الکترونیکی، گرافیکی، عکاسی یا مکتوب ضبط شده باشند اگر: الف) مالک آن، اقدامات متعارفی را برای محرمانه نگه داشتن چنین اطلاعاتی اتخاذ کرده باشد؛ ب) اطلاعات دارای ارزش بالقوه یا بالفعل مستقل بوده، عموماً از آن مطلع نبوده و عموم امکان دسترسی به آنها را از طریق وسایل معمولی نداشته باشد.» (www.tscm.com/USC18_90.html, 2009, pp. 1 and seq)

گفتار دوم - معیارهای تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعاوی نقض اسرار تجاری در

فضای دیجیتالی: مطالعه تطبیقی

حال که با مفهوم اسرار تجاری الکترونیکی آشنا شدیم، وارد این بحث اساسی و بسیار مهم می‌شویم که اگر اسرار تجاری یک شخص در کشور دیگر توسط یک شخص حقوقی یا حقیقی خارجی نقض شود، کدام مرجع صالح به رسیدگی است. همانطور که در توضیحات مقدماتی ذکر

شد، این موضوع یکی از موضوعات محوری در حقوق بین الملل خصوصی است و تعیین مرجع صالح در این حوزه با دشواریها و پیچیدگیهای فنی بسیاری روبروست چرا که حقوق بین الملل خصوصی بیش از آنکه دارای وصف بین المللی باشد، دارای وجهه خصوصی است یعنی روابط خصوصی افراد را در سطح بین المللی بررسی می کند و این جنبه باعث می شود تا هر کشور بر اساس قوانین و مقررات ملی خود، در صدد تعیین دادگاه صالح بر آید و تفاوت قوانین داخلی کشورها با یکدیگر، باعث بروز تعارضات فراوان میان قوانین کشورها شده است (Battifol and Lagarde, 1993, pp. 17-31); وانگهی حقوق مالکیت فکری چه در محیط فیزیکی و چه در محیط دیجیتالی، اصل سرزمینی بودن (Principle of Territoriality) است که به موجب آن، برای تعیین حمایت از مصادیق مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری، باید ملاک را قوانین کشوری دانست که حمایت در آنجا مطالبه شده است (WIPO, 2009, p. 5). این وابستگی حقوق مالکیت فکری به قوانین داخلی کشورها، تعارض قوانین را بیش از پیش سبب شده است. مشکلات و پیچیدگیهای ناشی از رفع تعارض صلاحیت دادگاهها، این گرایش را در نزد مقامات کشورهای مختلف ایجاد کرد تا با وضع قوانین متحدالشکل در زمینه مسائل مختلف مدنی و بویژه تجاری که در آن، حل سریع اختلافات یک ضرورت اساسی محسوب می گردد، گامی مهم در راه کاهش تعارض صلاحیتها بردارند. البته تاکنون در خصوص تعیین مرجع صالح و قانون حاکم بر دعاوی نقض مالکیت فکری در محیط دیجیتالی، مقررات یا کنوانسیون بین المللی خاصی تهیه و تصویب نشده و کنوانسیون پیشنهادی برخی صاحب نظران نظیر پروفیسور دربی فوس (Rochelle C. Dreyfuss) و پروفیسور گینسبورگ (Jane C. Ginsburg)، با عنوان «پیش نویس کنوانسیون بین المللی راجع به صلاحیت و شناسایی احکام در مسائل مالکیت فکری» (Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgment in Intellectual Property Matters)

از جمله اسرار تجاری در محیط دیجیتالی و فیزیکی (<http://lawreview.kentlaw.edu/articles/77-3/Dreyfuss-Ginsburg%20Final1.pdf>, 2009, pp. 1 and seq) به دلیل اختلاف در مورد گستره آن تاکنون تصویب نشده است^۱ با این حال با استفاده از اسناد بین المللی و منطقه ای موجود در زمینه تعیین صلاحیت محاکم در امور تجاری - که حاوی موادی در زمینه مالکیت فکری نیز هستند- می توان خلا موجود را برطرف ساخت. در بخش یک این گفتار، مهمترین کنوانسیون منطقه ای مرتبط با موضوع مورد بحث، کنوانسیون بروکسل دو راجع به صلاحیت و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و تجاری (مصوب ۲۰۰۱) (**Brussels II Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in) (Civil and Commercial Matters**)، در بخش دوم گفتار، مهمترین کنوانسیون بین المللی،

۱. معرفی این پیش نویس فنی، همراه با نقد و بررسی آثار حقوقی الحاق احتمالی ایران به آن، در مقاله ای مجزا ارائه خواهد شد.

کنوانسیون لاهه راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی (لازم‌الاجرا از ۱۹۵۵) و کنوانسیون پیشنهادی لاهه (۱۹۹۹) مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ اما چون این کنوانسیونها اختصاص به حل اختلاف مالکیت فکری در محیط دیجیتالی ندارند و واپسو به اقدامات و توصیه‌هایی به کشورهای عضو و طرفین دعاوی مالکیت فکری در محیط دیجیتالی مبادرت ورزیده است، به این مورد وجدیدترین تحولات آن در بخش سوم پرداخته خواهد شد.

بخش اول - معیار تعیین دادگاه صالح بر اساس کنوانسیون بروکسل دو

کنوانسیون بروکسل یک در سال ۱۹۶۸ تصویب و در خصوص کشورهای اروپایی عضو این سند، حاوی مقررات متحد الشکلی در زمینه حقوق بین‌المللی خصوصی در امور مدنی و تجاری بود. تا اینکه این سند، توسط دستورالعمل اتحادیه اروپا به شماره ۴۴/۲۰۰۱ راجع به صلاحیت و شناسایی اجرای آرا در زمینه امور مدنی و تجاری مصوب ۲۰۰۱ موسوم به کنوانسیون بروکسل دو، مورد بازنگری قرار گرفت و هرچند غالب احکام آن مشابه کنوانسیون بروکسل یک است، اما امروزه در میان کشورهای اروپایی عضو، کنوانسیون شماره دو لازم‌الاتباع می باشد از این رو ما نیز به این سند اشاره می کنیم.

کنوانسیون بروکسل دو که از مارچ ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده است، از آنجا که حاوی معیارهای کلی تعیین دادگاه صالح در امور مدنی و تجاری می باشد، لذا در خصوص تعیین دادگاه صالح رسیدگی به دعاوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی نیز قابل اعمال است چرا که این کنوانسیون در زمینه امور تجاری در هر محیطی از جمله فیزیکی و دیجیتالی قابلیت اعمال دارد. با این حال، این کلیت قلمرو با این محدودیت روبروست که تنها در دعاوی ای که طرف دعوی تبعه یا مقیم یکی از کشورهای متعاقد کنوانسیون است، اعمال می گردد^۱. برای مثال، در نظام حقوقی انگلستان، قواعد راجع به تعیین صلاحیت دادگاه در دعاوی نقض اسرار تجاری در صورتی که خواننده دعوی، مقیم یکی از کشورهای عضو کنوانسیون بروکسل باشد، طبق مقررات این کنوانسیون صورت می پذیرد حتی اگر تهیه کنندگان کنوانسیون در زمان تهیه و تصویب آن به گسترش قلمرو آن به محیط دیجیتالی نظر نداشتند اما در سایر موارد بر اساس مقررات داخلی و قواعد نظام کامن‌لا تصمیم‌گیری می‌شود.

در هر حال، کنوانسیون مورد بحث با بیان یک اصل کلی در ماده ۲ خود، معیار تعیین صلاحیت را دادگاه کشور محل اقامت خواننده مقرر می دارد لذا اگر نقض کننده اسرار تجاری

۱. محدودیت دیگر وارد بر قلمرو کنوانسیون بروکسل آن است که طبق ماده ۵۷ این سند، سایر کنوانسیونهایی که بین دول عضو اتحادیه اروپا درباره صلاحیت یا شناسایی و اجرای احکام منعقد شده اند مانند کنوانسیون اروپایی حق اختراع، در صورت تعارض، بر کنوانسیون بروکسل تقدم دارند؛ با اینحال، چون در زمینه اسرار تجاری، کنوانسیون منعقد نشده است، این محدودیت بر کنوانسیون بروکسل وارد نیست و از این رو در متن مقاله به این محدودیت اشاره نکردیم.

الکترونیکی در کشور الف مقیم باشد، دادگاه آن کشور صالح به رسیدگی است؛ با این حال صلاحیت مقرر در این اصل کلی با استفاده از مواد بعدی یعنی مواد ۵ تا ۱۸ تکمیل می‌گردد که از این میان، بندهای یک و سه ماده ۵ و بند چهار ماده ۱۶ به دعاوی بین‌المللی مالکیت فکری ارتباط مستقیم دارد. بند چهار ماده ۱۶ به موضوع مقاله ما مربوط نمی‌شود چرا که این بند به صلاحیت انحصاری دادگاهها در دعاوی راجع به ثبت یا اعتبارات اختراع، علائم تجاری، طرحها یا دیگر حقوق مشابهی که باید تودیع و ثبت شوند می‌پردازد در حالیکه اسرار تجاری برای آنکه بصورت سر باقی بمانند نباید تودیع یا ثبت گردند. اما بندهای یک و سه ماده پنج، در خصوص اسرار تجاری الکترونیکی نیز قابل اعمال بوده و اولی در فرض قرارداد و دومی در فرض مسئولیت مدنی به ارائه معیار برای تعیین صلاحیت دادگاه پرداخته‌اند. لذا این بخش را در دو قسمت ارائه خواهیم داد:

الف) دادگاه صالح در فرض وجود قرارداد معتبر

بر اساس بند یک ماده ۵ کنوانسیون بروکسل دو، در امور مرتبط با یک قرارداد، مکان اجرای تعهد متنازع فیه تعیین میکند که کدام دادگاه صالح است و اگر قرارداد متضمن تعهدهای مختلف باشد، دعوی باید در دادگاه کشوری اقامه شود که مبنای دعوی را تشکیل می‌دهد و اگر مبنای دعوی از چند تعهد تشکیل شده باشد، معیار، تعهد اصلی قرارداد است. بر این اساس، اگر صاحب یک شرکت اینترنتی با انعقاد موافقت نامه عدم افشا (Non-Disclosure Agreement (NDA) با یکی از کارکنان خود، از او تعهد بگیرد که اسرار تجاری الکترونیکی شرکت را در اختیار شرکتهای طرف قرارداد و در دسترس سایر افراد خارج از شرکت قرار ندهد، در صورتی که متعهد از اجرای تعهد خود سرباز زده و اطلاعات را از طریق ایمیل شرکت در اختیار طرف قرارداد آلمانی قرار دهد، صاحب سر تجاری به عنوان خواهان می‌تواند در دادگاه مکان اجرای تعهد یعنی دادگاه اقامتگاه شرکت طرح دعوی نماید؛ همچنین اگر مفاد قرارداد بگونه ای تنظیم شده باشد که حاوی چند تعهد برای متعهد باشد برای نمونه صاحب سر، کارمند خود را ملزم ساخته باشد که علاوه بر عدم افشای اسرار برای شرکتهای رقیب، تدابیر فنی مناسب را برای انتقال محرمانه اسرار تجاری به شرکت مورد اعتماد اتخاذ کند، معیار تعیین دادگاه صالح، این است که کدام تعهد مورد نقض قرار گرفته و در صورت نقض هر دو تعهد، باید تعهد اصلی قرارداد یعنی تعهد به عدم افشا را مدنظر قرار داد.

ب) فرض مسئولیت مدنی

این فرض در جایی پیاده می‌شود که یا قراردادی میان صاحب سر تجاری و نقض‌کننده حق وجود ندارد یا قرارداد منعقد شده، بی اعتبار بوده یا اعتبار آن، منقضی شده است. معیار تعیین

دادگاه صالح در این فرض را بند سوم ماده ۵ کنوانسیون بروکسل بیان نموده است. مطابق این بند، دادگاه کشور محل وقوع حادثه زیانبار صالح به رسیدگی است. با این حال این معیار از ابهامی مفهومی برخوردار است چرا که مشخص نکرده منظور از محل وقوع حادثه زیانبار، محلی است که خسارت ناشی از نقض حق بروز پیدا می‌کند یا محلی است که حادثه منشا ورود خسارت، در آنجا اتفاق افتاده است. برای نمونه، اگر الف، اسرار تجاری الکترونیکی شرکت ب را در کشور ج افشا کند اما خسارت ناشی از افشا، به شعب آن شرکت در کشور د وارد شود، آیا باید دادگاه محل افشای سر را صالح دانست یا دادگاه محل ورود خسارت را؟

این ابهام باعث گردید تا دیوان دادگستری اروپا (European Court of Justice) در تفسیری که از این بند در پرونده *Alliance v. Shevill* (The case no. [1995] ECR I--415) ارائه کرد هر دو دادگاه را صالح دانست و اختیار طرح دعوی در هر یک را به دست خواهان سپرد. (Tonny Driessen, 2001, p. 2)

نکته مهم در خصوص معیار ارائه شده در کنوانسیون بروکسل یک آن است که اگر خسارات وارد شده به صاحب اسرار تجاری در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته باشد، خواهان باید در دادگاه هر کشور بابت همان میزان خسارات وارده طرح دعوی کند و دادگاه آن کشور تنها تا میزان خسارات وارد در آن کشور صالح به رسیدگی است نه همه خسارات. با اینحال این معیار در محیط دیجیتالی بسیار مشکل آفرین بوده و می‌تواند برخلاف حمایت از صاحب حق تلقی شود چرا که با افشای سر تجاری در اینترنت، امکان دسترسی میلیونها کاربر در سراسر جهان فراهم شده و بطور بالقوه ممکن است بخشی از خسارات در هر یک از کشورهای دنیا به وقوع بپیوندد. به دلیل انتقادات وارد بر این معیار، اعضای کنوانسیون بروکسل یک در اصلاحی که به موجب دستور العمل سال ۲۰۰۱ در این کنوانسیون اعمال کردند، از رویه کنوانسیون پیشنهادی لاهه-که در ادامه بدان می‌پردازیم- تبعیت کرده و مقرر داشتند که دادگاه محل بخشی از خسارات می‌تواند در خصوص کلیه خسارات وارده تصمیم‌گیری کند. دیوان دادگستری اروپا هم در یکی از آرای خود چنین استدلال کرد که محدود شدن صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت در محیط فیزیکی، قابل اعمال در محیط اینترنتی نیست چرا که محیط اینترنتی، محیطی جهانی و فاقد مرز است و در حکم یک سرزمین محسوب می‌شود، لذا باید از سرزمینی کردن خسارات خودداری کرد چون سرزمینی کردن، با اوصاف محیط فیزیکی سازگار و منطبق است؛ از این رو، اگر صاحب اسرار تجاری در محیط دیجیتالی دچار زیان گردد، دادگاه یکی از کشورهایی که خسارت در آن وارد شده است، می‌تواند به کلیه خسارات حتی در کشورهای دیگر رسیدگی نماید و این از ویژگی‌های خاص این محیط است (WIPO, 2009, p. 7). این تفسیر در آرای بسیاری از دادگاههای کشورهای اروپایی راه یافت و دادگاههای ملی این کشورها در برخی آرای خود در زمینه نقض مصادیق مختلف حقوق مالکیت

فکری در محیط دیجیتالی) (SG2 v. Brokat For instance in France, see: Informationsysteme GmbH, Nanterre Court of Appeals (1996), See also VEJF and LICRA v. Yahoo! Inc. and Yahoo France, Ordonnance of November 20, 2000, Tribunal de Grande Instance de Paris), صلاحیت دادگاهها را توسعه دادند. (<http://www.legalis.net>, p. 2009)

بخش دوم - معیار تعیین دادگاه صالح بر اساس کنوانسیون لاهه

کنوانسیون لاهه، منبع اصلی قواعد بین المللی در حوزه حقوق بین الملل خصوصی محسوب می‌گردد (WIPO, 2009, p. 3). این کنوانسیون که نتیجه نشست نخست اعضا در کنفرانس لاهه به سال ۱۸۹۳ بود، با هدف تلاش کشورها برای یکنواخت سازی قواعد حقوق بین الملل خصوصی و کاهش تعارضات در زمینه دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعاوی بین المللی منعقد گردید. در سال ۱۹۹۲، ایالات متحده آمریکا پیشنهاد داد تا کنوانسیون پیشنهادی در زمینه شناسایی و صلاحیت آرای محاکم خارجی در زمینه امور مدنی و تجاری تهیه شده و در آن تعارضات راجع به صلاحیت محاکم در دعاوی مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری حل گردد؛ البته این پیشنهاد مورد توجه بسیاری از اعضا قرار نگرفت؛ اما برخی مواد آن، به این حقوق اختصاص یافت که چون این مواد با دعاوی مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری در محیط های فیزیکی و دیجیتالی ارتباط مستقیم داشته و از آن می توان در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی بهره برد لذا ما در ادامه به این موارد اشاره می کنیم. این کنوانسیون در ماده ۳ خود مشابه کنوانسیون بروکسل، اصل را در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی، بر صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده دعوی گذارده است. با این حال ماده ۶ کنوانسیون در مواردی که میان صاحب حق و نقض کننده آن رابطه قراردادی وجود داشته و در فرض مسئولیت مدنی، قائل به صلاحیت اضافی شده است^۱:

الف) دادگاه صالح در فرض وجود قرارداد معتبر

بر اساس ماده ۶ کنوانسیون لاهه، دعاوی ناشی از قرارداد، در دادگاههای کشوری قابل طرح است که اجرای تعهد اصلی ناشی از قرارداد کلا یا جزئاً در آنجا صورت پذیرفته است. بنابراین اگر تعهد متعهد در قرارداد با صاحب اسرار تجاری نقض شده باشد، ملاک دادگاهی است که اجرای تعهد اصلی کلا یا جزئاً باید در آنجا صورت می گرفته است. تفاوت این کنوانسیون با کنوانسیون بروکسل یک در این است که در کنوانسیون لاهه، به اینکه اجرای جزئی یا کلی تعهد تاثیری در صلاحیت

۱. بند ۴ ماده ۱۲ این کنوانسیون راجع به تعیین صلاحیت انحصاری برای دادگاههای کشوری است که موضوع مالکیت فکری در آنجا تودیع یا ثبت شده است و چون این بند در خصوص اسرار تجاری صدق پیدا نمی کند، بنابراین به آن نمی پردازیم.

محل دادگاه صالح به رسیدگی ندارد، تصریح شده است در حالیکه این صراحت از کنوانسیون بروکسل یک بر نمی آید و تردیدهایی در تفسیر بند یک ماده ۵ بجا گذارده است. صلاحیت دادگاه در فرض وجود قرارداد معتبر در یک مورد استثنا می خورد و آن در جایی است که به موجب شرط قراردادی میان صاحب اسرار تجاری و متعهد، طرفین بر دادگاه محل دیگری توافق کرده باشند در این حالت به استناد ماده ۴ کنوانسیون لاهه، تمامی دعاوی مرتبط با این قرارداد باید در نزد دادگاه منتخب طرح گردد. این موضوع در کنوانسیون بروکسل مورد توجه قرار نگرفته است.

ب) فرض مسئولیت مدنی

با عنایت به انتقاداتی که به ابهام کنوانسیون بروکسل در خصوص معیار تعیین دادگاه صالح در فرض مسئولیت مدنی وارد شد، کنوانسیون پیشنهادی لاهه، این ابهام را بر طرف ساخته و در بند یک ماده ۱۰ خود تصریح می کند که در این فرض، یکی از دو دادگاه کشوری که فعل یا ترک فعل موجب ضرر در آن رخ داده باشد یعنی دادگاه کشور منشا زیان یا دادگاه کشور محل ورود زیان، صالح به رسیدگی می باشند. بنابراین کنوانسیون حاضر به صاحب اسرار تجاری این اختیار را می دهد که در دعاوی مدنی خود، یکی از این دو دادگاه را برای احقاق حق برگزیند. البته این اختیار در صورتی است که نظام حقوقی این دو کشور، اسرار تجاری در محیط دیجیتالی را مورد حمایت قرار داده باشند و الا خسارت تنها در دادگاه کشوری قابل مطالبه است که اسرار تجاری دیجیتالی را مورد حمایت قرار می دهد.

اما نکته چالش برانگیز در خصوص معیار فوق آن است که هرچند بند یک ماده ده، معیار تعیین دادگاه صالح را روشنی بیان داشته است، اما اعمال این معیار در عمل و بویژه در محیط دیجیتالی بسیار دشوار است زیرا احراز اینکه خسارت در کجا ایجاد شده است، غالباً مشکل بوده و میتواند باعث بروز اختلاف صلاحیتی میان دادگاههای کشورهای مختلف گردد؛ از این رو برای رفع این دشواری، چندین راهکار پیشنهاد شد که حتی برخی از این پیشنهادها از سوی محاکم ملی برخی کشورها مورد استناد قرار گرفت و حتی برخی از این پیشنهادها توسط رویه قضایی برخی کشورها خلق گردید. ما در ادامه به چند مورد از این راهکارهای پیشنهادی اشاره می کنیم:

بر اساس راهکار نخست که در رای یکی از محاکم آمریکایی مورد استناد قرار گرفت، برای تشخیص محل وقوع خسارت و به تبع آن تعیین دادگاه محل وقوع خسارت، باید دید عمل زیانبار آیا محل خاصی را هدف قرار داده است یا خیر؛ به تعبیر دیگر، آیا وب سایت خواننده با حوزه قضایی دادگاه، ارتباط کافی و موثر دارد یا خیر؛ در این صورت، دادگاه محل هدف،

صالح به رسیدگی است (Rice, 2002. pp. 15 and seq). در پرونده United States v. Thomas (6th cir) (1996, Fed, App. 0032 p) دادگاه مقرر داشت که هر چند عمل نقض کننده حق صاحب مالکیت فکری، در کالیفرنیا صورت گرفته و صفحه الکترونیکی در این ایالت نمایش داده شده است، اما چون صفحه به ایالت تنسی ارسال شده و در آنجا در دسترس عموم قرار گرفته است، لذا دادگاه تنسی صالح به رسیدگی به این دعوای الکترونیکی است (Ray, 1999, p. 14).^۱ این راهکار البته با این انتقاد روبرو شد که تعیین هدف ناقض حق در بسیاری از موارد دشوار و غیرممکن است ضمن آنکه گاه هدف واقعی ناقض حق با آنچه رخ داده در تعارض است بری مثال ناقض حق با هدف افشای اسرار تجاری، قصد دارد مطالب را به یک ایالت بفرستد اما اشتباهاً آن را به ایالت دیگر ارسال می‌کند؛ در این حالت باید ملاک را قصد واقعی در نظر گرفت یا آنچه در ظاهر اتفاق افتاده است.

راهکار پیشنهادی دیگر در انگلستان مورد استفاده قرار گرفته است، بدین ترتیب که اگر خواهان یعنی صاحب سر تجاری، دعوای خود را هم علیه نقض کننده اصلی و هم علیه ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی (Internet Services Providers or ISPs) که ناقض حق را در افشای سر یا ورود خسارت به خواهان، یاری کرده است، اقامه کرده باشد، در صورتی که محل ورود خسارت دقیقاً مشخص نباشد می‌توان در دادگاه محل اقامتگاه یا تجارتخانه ارائه دهنده خدمات اینترنتی طرح دعوی نمود (Chissick and Kelman, 2002, p. 119). اما این راهکار نیز مورد انتقاد برخی صاحب‌نظران قرار گرفته است چرا که تنها در فرض محدودی راهگشاست لذا به عنوان راهکار جایگزین این تفسیر را پیشنهاد داده اند که مراد از دادگاه کشوری که در آنجا به خاطر نقض اسرار تجاری خسارت وارد شده است، دادگاه کشوری است که خواهان در آنجا طرح دعوی کرده است (Germa Tonny Driessen, 2001, p. 11).

در هر حال، بواسطه جدید بودن بحث، هنوز راهکار مورد اتفاق کشورها ایجاد نشده و راهکارهای ارائه شده با ایراداتی روبرو شده اند. با اینحال، صرفنظر از دشواری فوق، یکی از برتریهای قابل توجه کنوانسیون لاهه نسبت به کنوانسیون بروکسل در فرض مسئولیت مدنی آن است که کنوانسیون لاهه، ایراد کنوانسیون بروکسل را تا حدودی برطرف ساخته است. همانطور که در بخش پیشین گفتیم، طبق کنوانسیون بروکسل، اگر خسارات وارد شده به صاحب اسرار تجاری، در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته باشد، خواهان باید در دادگاه هر کشور بابت همان میزان خسارات وارده طرح دعوی کند و دادگاه آن کشور تنها تا میزان خساراتی صالح به رسیدگی است که در آن کشور وارد شده است نه همه خسارات وارده در

Cybersell Inc. v. Cybersell inc., {1997}, 130 F. 3d 414 (9th Cir.)

۱. همچنین مراجعه کنید به پرونده:

تمام کشورها. بند ۴ ماده ۱۰ کنوانسیون پیشنهادی لاهه با اصلاح نسبی بند سوم ماده ۵ کنوانسیون بروکسل مقرر می‌دارد که اگر خواهان دعوی (در فرض ما، صاحب اسرار تجاری)، در یکی از کشورهای محل ورود خسارت، دارای اقامتگاه معمولی نه موقتی باشد، دادگاه آن کشور صالح است تا علاوه بر خسارات وارد بر خواهان در آن کشور، نسبت به سایر خسارات وارد در کشورهای دیگر نیز رای صادر کند که این اصلاح، گام مهمی در حمایت از صاحبان حقوق مالکیت فکری در اینترنت محسوب می‌شود.

بخش سوم - اقدامات و توصیه های سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) در زمینه حل اختلاف اسرار تجاری در محیط دیجیتالی

سازمان جهانی مالکیت فکری در یکی از نخستین اقدامات خود برای تهیه یک سند جامع در خصوص حقوق بین الملل خصوصی در حوزه مالکیت فکری اعم از محیط فیزیکی و دیجیتالی، از چند تن از صاحب نظران برجسته خواست تا سندی پیشنهادی در این خصوص تهیه کنند. این سند بر اساس مدل نمونه وایپو تهیه گردید اما تاکنون مورد تصویب قرار نگرفته است. اما یکی دیگر از اقدامات وایپو در جهت کاهش تعارضات صلاحیت محاکم در دعاوی دیجیتالی نقض مالکیت فکری از جمله اسرار تجاری، ایجاد و توسعه مراکز ویژه برای حل و فصل اختلافات مربوط می‌باشد. مرکز داوری و میانجیگری وایپو (WIPO Arbitration and Mediation Center or WAMC) از مدتها قبل با این نیت تاسیس شده است تا با جایگزین کردن شیوه های جایگزین حل اختلاف (Alternative Dispute Resolution or ADR)، اصحاب دعوی را از ورود به مسائل پیچیده تعارض صلاحیت محاکم در دعاوی بین المللی برهاند. منظور از شیوه های جایگزین حل اختلاف در معنای عام کلمه، کلیه راههای حل و فصل اختلافات از طریق اشخاص خصوصی و خارج از جریان دادگاه می‌باشد و داوری (Arbitration)، میانجیگری (Mediation)، سازش (Conciliation) و مذاکره (Negotiation)، از مهمترین و رایج ترین این شیوه ها به شمار می‌آید (مصلحی و صادقی، ۱۳۸۳، صص ۱۲۳-۱۵۰) وایپو از آن رو اصحاب دعاوی مالکیت فکری را به استفاده از این شیوه ها ترغیب می‌کند تا اولاً؛ طرفین دعوی دچار تشریفات آیین دادرسی محاکم ملی و مقوله تعیین صلاحیت رسیدگی نشوند، ضمن آنکه دعاوی آنها توسط اشخاص خصوصی منتخب و متخصص کار در زمان سریعتر و غالباً با هزینه کمتر حل و فصل می‌گردد و این امر در برخی مصادیق مالکیت بویژه اسرار تجاری برای صاحبان آنها بخصوص بازرگانان دارای ارزش اقتصادی فوق العاده است. این اهمیت در عرصه دیجیتالی و در فرایند تجارت الکترونیکی، اهمیت بیشتری می‌یابد چرا که اگر اسرار تجاری یک شخص حقیقی یا حقوقی از طریق اینترنت افشا و گسترش یابد با

توجه به دسترسی بیش از یک میلیارد کاربر در سراسر جهان، خطرات به مراتب بیشتری نسبت به محیط فیزیکی، صاحب سر تجاری را تهدید می‌کند لذا او باید هر چه سریعتر، دعوای خود را در مرجع ذی صلاح به نتیجه برساند. در این میان، واپیو برای حمایت از این دسته اشخاص، اختیارات مرکز دآوری و میانجیگری خود را توسعه بخشیده و از طریق تجهیزات خاص، دو دسته خدمات حقوقی به صاحبان اسرار تجاری در محیط اینترنتی ارائه می‌دهد: نخست آنکه کلیه اختلافات نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی را از طریق شیوه‌های جایگزین حل اختلاف مورد بررسی قرار می‌دهد و البته این در شرایطی است که هر دو طرف دعوی قبل یا پس از بروز اختلاف، مرکز واپیو را به عنوان مرجع ذیصلاح تعیین کرده باشند؛ اما دومین خدمت نوین این مرکز ارائه خدماتی تحت عنوان حل و فصل اختلافات با شیوه‌های جایگزین از طریق اتصال به اینترنت (On-Line ADR) به اصحاب دعوی است بدین معنا که طرفین لازم نیست در محل حضور فیزیکی داشته باشند بلکه می‌توانند مرکز دآوری و میانجیگری واپیو را به عنوان مرجع صالح رسیدگی به دعوای مدنی تعیین کرده و از طریق اتصال به اینترنت، برای حل اختلاف خود اقدام نمایند (WIPO, 2008, pp. 18-19).

گفتار سوم-نقد و بررسی جایگاه موضوع در حقوق ایران

قواعد حل تعارض صلاحیت محاکم در نظام حقوقی ایران عمدتاً در قانون مدنی و آن هم نه بطور کامل مطرح شده و از آنجا که این بخش از مواد این قانون در سال ۱۳۰۷ تصویب شده است، لذا قانونگذار به بحث تعیین صلاحیت محاکم در محیط دیجیتالی توجه نداشته است. قوانین مالکیت فکری ما نیز عنایتی به بحث تعیین صلاحیت محاکم در دعوای بین‌المللی چه در محیط فیزیکی و چه در محیط مجازی نداشته‌اند و جالب تر اینکه در نظام حقوقی فعلی ما، اساساً قانونی خاص در خصوص حمایت از اسرار تجاری وجود ندارد و بالطبع، مقرراتی نیز در مقوله حل تعارضات در دعوای بین‌المللی نقض اسرار تجاری در حقوق ما وجود ندارد. با این حال در سال ۱۳۸۲، قانونگذار بر اساس قانون نمونه آنسیترال به تصویب قانون تجارت الکترونیکی مبادرت ورزید و برای نخستین بار، موادی را به اسرار تجاری و بیان مفهوم آن اختصاص داد. طبق ماده ۶۵ این قانون، «*اسرار تجاری الکترونیکی «داده پیام»ی است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم افزارها و برنامه‌ها، ابزارها و روش‌ها، تکنیک‌ها و فرایندها، تالیفات منتشرنشده، روش‌های انجام تجارت و دادوستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح‌های تجاری و امثال اینها است که بطور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاشهای معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است.*» این ماده

هرچند از مصادیقی نام برده است که در محیط فیزیکی نیز مطرح می باشند، اما قید «*داده پیام*»^۱ مذکور در صدر ماده، بخوبی گویای این واقعیت است که قانونگذار ما کلیه مصادیق اسرار تجاری مطرح در محیط فیزیکی را در محیط مجازی نیز قابل اعمال و قابل حمایت دانسته است و به تعبیر دیگر، مصادیق اسرار تجاری را به قسم الکترونیکی آن نیز تعمیم داده است. همچنین طبق ماده ۶۴ قانون مزبور: «*به منظور حمایت از رقابت های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه ها^۲ و موسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.*» ماده ۷۵ نیز برای نقض اسرار تجاری، ضمانت اجرای کیفری و ماده ۷۸ برای آن مسئولیت مدنی قائل شده است. چنانکه ملاحظه می شود، قانونگذار اقدام به اعطای یک سلسله حقوق ماهوی برای صاحب اسرار تجاری در محیط الکترونیکی کرده است از جمله آنکه اصل حق او را مشمول حمایت انحصاری دانسته و برای نقض کننده حق قائل به مسئولیت کیفری و مدنی شده است با این حال، در هیچ جای این قانون نه تنها در خصوص نقض اسرار تجاری بلکه در خصوص نقض سایر حقوق مالکیت فکری مقرر در این قانون، هیچ ماده ای به مقوله تعیین صلاحیت محاکم نپرداخته و با توجه به اینکه این قانون برای محیط الکترونیکی پیش بینی شده و بین المللی بودن دعاوی در این محیط امری بدیهی و غالب است، لذا سکوت قانونگذار ما نسبت به این امر، قابل انتقاد به نظر می رسد. البته ماده ۷۷ این قانون آیین دادرسی مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی (از جمله تعیین دادگاه صالح) را به موجب قانون دانسته است اما مشخص نشده است که این آیین دادرسی بر اساس کدام قانون خواهد بود چرا که در خود قانون تجارت الکترونیکی، هیچ ماده ای به بحث تعیین صلاحیت محاکم نپرداخته است؛ وانگهی این ماده مختص آیین دادرسی کیفری است نه مدنی. در کنار قوانین فوق، آیین نامه ارائه دهندگان خدمات اینترنتی مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، این اشخاص را مکلف به رعایت قواعد حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی ساخته است با این حال در خصوص اینکه در کدام دادگاه می توان علیه این اشخاص طرح دعوی کرد، ساکت است و طبیعتاً از آیین نامه نیز انتظار حقوقی بیش از این نمی توان داشت.

۱. طبق بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی، *داده پیام، هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می شود.*
 ۲. *بنگاه یا موسسه اقتصادی به معنای سازمان تولیدی یا بازرگانی است که با ترکیب عناصر مالی، فنی، انسانی و تجاری، برای به دست آوردن سود یا ارائه خدمت عمومی به فعالیت در زمینه تولید کالا یا خدمات و یا عرضه آنها به بازار می پردازد.* (ر.ک: میرسعیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

با عنایت به این خلا، ناگزیر باید بر اساس قوانین عام موجود، اصحاب دعوای نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی را راهنمایی نمود. بر اساس مبنای دعوی، باید میان دو فرض قائل به تفکیک شد: نخست-فرضی که میان صاحب اسرار تجاری و نقض کننده حق (طرفین دعوی)، قراردادی وجود داشته و مبنای دعوی، مسئولیت قراردادی است و دوم، فرضی که میان طرفین دعوی، قرارداد معتبری وجود ندارد (مسئولیت مدنی). ما این دو فرض را در قالب دو بخش زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

بخش نخست-فرضی که میان صاحب اسرار تجاری و نقض کننده حق (طرفین دعوی)، قراردادی وجود داشته و مبنای دعوی، مسئولیت قراردادی است:

در این حالت، می توان از مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ کمک گرفت. مطابق ماده ۱۱ این قانون می توان گفت: دعوای نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر در ایران اقامتگاه ندارد در دادگاه محل سکونت موقت خواننده می توان اقامه دعوی کرد و هر گاه در ایران اقامتگاه یا محل سکونت موقت ندارد ولی مال غیر منقول دارد برای مثال، خواننده، ارائه دهنده خدمات اینترنتی است که بخشی از تجارتخانه او در ایران مستقر است، می توان در دادگاه حوزه مال غیر منقول طرح دعوی نمود و اگر هیچ یک از موارد فوق صادق نباشد، حقوق ایران به خواهان دعوی یا صاحب اسرار تجاری اجازه می دهد تا در دادگاه محل اقامتگاه خود اقامه دعوی نماید. بر اساس ماده مزبور، اگر صاحب سر تجاری در دادگاه ایران طرح دعوی نماید، قاضی مکلف است ابتدا صلاحیت خود را احراز نماید و اگر خواننده در ایران، اقامتگاه محل سکونت موقت یا مال غیر منقول ندارد و خواهان نیز در ایران مقیم نیست، قرار عدم صلاحیت صادر و پرونده را به دادگاه صالح ارجاع دهد و اگر یکی از معیارهای صلاحیت مقرر در ماده ۱۱ محقق شده باشد، می تواند به عنوان دادگاه صالح به پرونده رسیدگی کند البته صرف صلاحیت دادگاه ایرانی برای رسیدگی به دعوی به معنای قابل اعمال بودن قانون ایران بر دعوی نیست و چه بسا دادگاه ایرانی صالح بوده اما قانون کشور دیگر بر دعوی اعمال گردد. ماده ۱۱، بیان کننده اصل کلی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده دعوی است و از این رو با کنوانسیونهای مورد مطالعه سازگار است. اما ماده ۱۳ در فرض وجود قرارداد، صلاحیت تکمیلی مقرر داشته است. بر اساس مفاد این ماده می توان گفت: در دعوای بازرگانی و دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد خواهان می تواند علاوه بر دادگاه محل اقامت خواننده، به دادگاه حوزه محل انعقاد عقد یا اجرای تعهد نیز رجوع کند. از آنجا که دعوای نقض اسرار تجاری در محیط اینترنتی، جزو دعوای منقول محسوب می گردد، لذا تابع حکم

مقرر در ماده ۱۳ می باشد چرا که سر تجاری خود یک مال منقول می باشد و دعوای راجع به آن نیز جز اموال منقول تبعی به شمار می آید (برای مطالعه در مورد این نوع اموال منقول؛ ر. ک: کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۷؛ صفایی، ۱۳۸۲، ص ۸۰). ممکن است ایراد شود که در برخی موارد دعوای نقض اسرار تجاری، غیرمنقول بوده و نمی توان آنها را تابع ماده ۱۳ دانست برای مثال اگر شخصی، اسرار تجاری یک کارخانه نوشابه سازی را از طریق اینترنت افشا سازد و کارخانه با از دست دادن درآمد خود، دچار ورشکستگی شود، دعوی به دلیل خسارات وارد بر کارخانه، غیر منقول به شمار می آید. اما این ایراد وارد نیست چرا که در تشخیص منقول و غیر منقول بودن دعوی، باید موضوع مستقیم دعوی را لحاظ کرد و چون در اینجا موضوع مستقیم دعوی، افشای سر بوده و خسارات وارد بر کارخانه، نتیجه افشای سر تجاری است، لذا دعوی در این فرض نیز منقول به شمار آمده و مشمول حکم مقرر در ماده ۱۳ آیین دادرسی مدنی است.

بخش دوم - فرضی که میان طرفین دعوی، قرارداد معتبری وجود ندارد (مسئولیت مدنی)

چنانکه اشاره شد در برخی کشورها و بر اساس کنوانسیونهای بروکسل و لاهه، ملاک در این فرض، دادگاه محل ورود خسارت یا دادگاه محل منشا ورود خسارت است؛ این معیار به دادگاه کمک می کند تا در نزدیک ترین مکان بتواند وقوع و میزان خسارت را احراز نماید با اینحال در حقوق ما، ماده ای که دادگاه این دو محل را صالح به رسیدگی بداند، وجود ندارد لذا باید به اصل کلی یعنی صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده استناد جست چرا که این اصل کلی تنها زمانی استثنا می پذیرد که قانون بدان تصریح کرده باشد و چون چنین حکمی در قوانین ما نیست لذا باید در مواقع تردید به اصل کلی مراجعه نمود.^۱ ممکن است استدلال شود که از رای دیوان عالی کشور به سال ۱۳۱۰ که مقرر می دارد دعاوی راجع به خسارات اگر ناشی از مال غیر منقول باشد، در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول بررسی خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، توضیح شماره ۴ ماده ۱۸ قانون مدنی)، می توان استنباط کرد که این دعوی باید در دادگاه محل وقوع مال اقامه گردد، اما چون دعاوی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی، دعوای منقول و خسارات ناشی از نقض نیز منقول به شمار می آیند، لذا باید آن را در دادگاه اقامتگاه خواننده طرح کرد. بی تردید، سکوت قانونگذار در این زمینه، دشواریهای بسیاری را برای صاحبان حق خصوصاً در محیط الکترونیکی ایجاد خواهد کرد چرا که در دعاوی دیجیتالی، خواننده دعوی ممکن است در هر یک از کشورهای جهان مقیم باشد و در کنار دشواریهای احراز نقض حق و تشخیص نقض کننده حق، مشکلات طرح دعوی در دادگاه اقامتگاه خواننده را نیز باید برای صاحب اسرار تجاری متصور بود؛ به علاوه، حکم مقرر در نظام حقوقی ما هزینه های غیراقتصادی

۱. يلحق الظن بالاعم الاغلب.

بسیاری را نیز بر خواهان بار می‌کند چرا که او باید در دادگاه اقامتگاه خواننده طرح دعوی نماید و اگر خسارت در محل دیگری به وقوع پیوسته باشد، دادگاه صالح باید با اعطای نیابت قضایی، دادگاه محل وقوع خسارت را نایب خود در احراز خسارت و میزان آن کند و سپس نتیجه حاصل شده به دادگاه صالح ارسال گردد که این امر، هزینه و وقت بسیاری را از خواهان تلف خواهد کرد.

نتیجه

از آنچه در مقاله مورد بررسی و نقد قرار گرفت: بطور خلاصه نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- از آنجا که محیط دیجیتال در کنار امتیازات قابل توجهی که برای اشخاص بویژه تجار به بار آورده است، آنها را با این چالش بزرگ روبرو ساخته که اسرار تجاری آنها در این محیط مورد نقض قرار گرفته، و در اختیار میلیونها نفر کاربر قرار گیرد و تشخیص نقض، شناسایی نقض‌کننده حق، میزان خسارات وارده و تعیین اینکه کدام دادگاه صالح به رسیدگی به دعاوی بین‌المللی نقض اسرار تجاری در این محیط است، بسیار دشوار بوده و گاه صاحب سر تجاری را از طرح دعوی منصرف می‌کند، از این رو، برای کاهش مشکلات ناشی از تعارض صلاحیت محاکم، کنوانسیونهای منطقه ای و بین‌المللی در زمینه امور مدنی و تجاری تهیه و پیشنهاد شده است که از مهمترین آنها می‌توان به کنوانسیون بروکسل یک و دو و کنوانسیون پیشنهادی لاهه اشاره کرد همچنین پیش نویس سندی در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی در حوزه حقوق مالکیت فکری در محیط دیجیتالی و فیزیکی تهیه شده که هرچند به تصویب نرسیده است، اما اقدامات انجام شده گویای توجه خاص به این مقوله بوده است.

۲- در نظام حقوقی ایران برغم حمایت از اسرار تجاری در محیط دیجیتالی و وجود قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، هیچ حکمی در خصوص تعیین دادگاه صالح ندارد و ناگزیر باید به اصول و قوانین عام مراجعه کرد. در دعاوی قراردادی می‌توان به استناد مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، دادگاه اقامتگاه خواننده، دادگاه محل انعقاد عقد و یا دادگاه محل اجرای تعهد قراردادی را صالح به رسیدگی دانست و در دعاوی مسئولیت مدنی، دادگاه اقامتگاه خواننده ذی صلاح است. این مواد، بسیار عام بوده و برغم آنکه خلا حقوقی ما در زمینه مورد بحث را تاحدودی رفع می‌کند اما با استانداردهای موجود در بسیاری از کشورها و اسناد مورد تطبیق، ناسازگار بوده و نمی‌تواند بخوبی از صاحبان اسرار تجاری حمایت کند. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد تا قانون تجارت الکترونیکی ضمن اصلاح، مواد مخصوص و روشنی در باب تعیین دادگاه صالح رسیدگی به دعاوی در محیط الکترونیکی مقرر دارد و در این زمینه، استفاده از تجربه حقوقی اسناد منطقه ای و بین‌المللی موجود می‌تواند راهگشا باشد.

۳- قانونگذار ما می‌تواند در دعاوی حقوقی نقض اسرار تجاری در محیط دیجیتالی، در فرض وجود قرارداد معتبر میان صاحب اسرار تجاری و ناقض حق، دادگاه محل اقامت خواننده را در کنار دادگاه محل انعقاد عقد یا دادگاه محل اجرای تعهد اعم از اصلی یا غیراصلی به عنوان دادگاه صالح معرفی کند تا با دادن این اختیار نسبتاً وسیع به صاحب حق، از او حمایت کرده باشد. در دعاوی مسئولیت مدنی نیز مقنن می‌تواند دادگاه محل ورود خسارت را صالح به رسیدگی بداند زیرا تا قبل از ورود خسارت، امکان اقامه دعوی در دادگاه وجود نداشته لذا مهمترین رکن دعوی، در این محل تجلی یافته است ضمن آنکه برای تشخیص میزان و نوع خسارات وارده، دادگاه محل وقوع خسارت بهتر می‌تواند این امر را احراز نماید. اگر خسارت، در نقاط مختلف روی داده باشد برای حمایت از صاحب حق می‌توان هر یک از این دادگاهها را صالح به رسیدگی دانست و هر دادگاهی که دعوی ابتدا در آنجا طرح شده است بر اساس سبق ارجاع می‌تواند به سایر دعاوی مرتبط با خسارات نیز رسیدگی نماید.

منابع و مأخذ

الف) فارسی:

- ۱- صادقی محسن (۱۳۸۶)، حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۲- صفایی سید حسین (۱۳۸۲)، حقوق اشخاص و اموال، تهران، نشر میزان.
- ۳- کاتوزیان ناصر (۱۳۸۰)، اموال و مالکیت، تهران، نشر دادگستر.
- ۴- مصلحی علی حسین و صادقی محسن (۱۳۸۳)، «شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)»، مجله نامه مفید، سال دهم، شماره ۴۶، بهمن و اسفند، صص ۱-۲۰.

ب) انگلیسی و فرانسوی

- 1-Battifol H and Lagarde P. (1993), Droit international privé, 8th ed, Paris.
- 2-Chissick Micheal and Alistair Kelman, (2002), *Electronic Commerce; Law and Practice*, London: Sweet&Maxwell.
- 3-Coollawyer, *Trade Secret Law*, in: <http://www.coollawyer.com/webfront/lawlibrary/ip/tradeseecret.php>; last visited: 2009/01/04.
- 4-Fox Stephen, (2002), *The Effect of the Internet on Trade in the IP Context*, WIPO International Conference on IP and E-Commerce, Tehran, January 15 and 16.
- 5-Halligan R. Mark, *The Protection of Trade Secrets and the Internet*, in: <http://rmarkhalligan.com>; last visited: 2009/08/06
- 6-Long John, (2003), "The Protection of Commercial Trade Secrets", European Intellectual Property Review, Volume 25, October, pp. 115-133.
- 7-Marieke Germa, Tonny Driessen, (2001), *International Jurisdiction and Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property*

Cases, Submitted for the Seminar International and Comparative Protection of Intellectual Property, School of Law, Columbia University.

8-Ray C. , (1999) "The Internet and Jurisdiction: The International Experience", in: Computer Law Association Bulletin, No. 2, pp. 222-232.

9-Rice D. , "Jurisdiction over E-commerce Disputes: Different Perspectives under American and European Law in 2002," International Federation of Computer Law Associations, Berlin, June 7-8, pp. 16-30.

10-Russo Jack, Risch Michael, and Mullarkey Mary E. (2001), **Trade Secrets on the Internet and in Cyberspace**, The Law of the Internet in California Seminar National Business Institute - May 31.

11-Strowel A. et Traillie J. P. (1997), **Le droit d'auteur, du logiciel au multimédia**, Brussels: Bruylant.

12-WIPO, **Intellectual Property on the Internet**, available at: www.wipo.int/copyright/ecommerce/en/ip_survey/chap3.html, visited: 2008/04/05.

13-WIPO, **The Role of Private International law and Alternative Dispute Resolution**, AA:

http://www.wipo.int/copyright/en/ecommerce/ip_survey/chap.4.html, last visited: 2009/04/10.

14. <http://www.jus.uio.no/lm/brussels.jurisdiction.and.enforcement.of.judgments.in.civil.and.commercial.matters.convention./doc.html>; last visited: 2009/04/10